



یادداشت

نگاهی به فیلم «کلمبوس» چطور فیلمی سرگرم‌کننده و دغدغه‌مند بسازیم؟

● ۹ ماهه نخست امسال، ماه‌های رونق فیلم‌های کمدی بود که پیشتر از جنس طنزهای سیخ‌فی و مبتذل و مبتنی بر لودگی بودند- فیلم‌هایی مثل «هزارپا» و «تهران - لس آنجلس»، «مارموز» و... مثال مناسب این گزاره هستند- و همین باعث شده که وقتی یک فیلم با پیشوند فیلم کمدی عرضه می‌شود، همه به سراغ نمونه‌های ضعیف آن بروند و درواقع خشک و تر با هم بیسوزد. در این میان فیلم «کلمبوس» یک امتیاز و برتری مهم دارد که کاملاً آن را از فیلم‌های دیگر منگف می‌کند؛ اینکه یک کمدی انتقادی است و ترکیبی از سبک‌های کمدی هجو و هنر را نقشه راه خود قرار داده، آن هم در شرایطی که کمدی‌سازهای ما متأسفانه یادشان رفته که از چارلی چاپلین تا سبک‌های استندآپ‌کمدین‌های امروز از کمدی به‌عنوان زبان نقادانه با بیانی طنزانه استفاده کرده‌اند، اما در ایران همین که شوخی جنسی کنند و بزنبوکوب راه بیندازند و مردها مرتب زن‌پوش شوند، نام کمدی بر خود می‌گذارند! اما «کلمبوس» در راستای یک کمدی طنز انتقادی، خوب عمل کرده است، شاید واجب باشد به برخی از فیلم‌سازان یادآوری شود که طنز به‌عنوان یکی از شاخه‌های کمدی، در لغت به معنای طعنه‌زدن است، ولی معنای اصلی که در قبل به کار می‌رفته تیغ جراحی بود، پس باید ببرد و انتقاد کند، نه‌اینکه فقط خنده بیافریند. علیمردانی در اولین فیلم کمدی‌اش موفق شده این مهم را اجرانی کند. علیمردانی که فیلم‌هایی مانند «به خاطر پوتنه»، «کوجه بی‌نام» و «آباجان» را در کارنامه خود دارد، نشان داده که در زمینه ساخت ملودرام و درام با دغدغه آسیب‌شناسی اجتماعی موفق بوده و در کارگردانی هم، استانداردهای اثرگذاری بسر مخاطب خاص و عام را رعایت می‌کند و حالا در «کلمبوس» به سراغ واکنش‌شان‌دادن به معضلات روز جامعه رفته؛ اما نوسانات عجیب‌وغریب ارز رقیل، مهل شدید آدم‌ها به مهاجرت یا تأثیر تحریم‌ها در زندگی روزمره تا تبدیل‌شدن آدم‌های یک خانواده به کاریکاتوره‌ای متوهم، کلاش، کلاهبردار و هفت‌رنگ. یکی از امتیازات فیلم بازی بازیگران است.



شبنم مقدمی، حال‌وهوای دختر عشق مهاجرت را با اغراق آگاهانه در بازی‌اش به خوبی منتقل می‌کند. فرهاد اصلانی هم حدنقهدار بازی کرده، مجید صالحی با وجود تیپ آشنایش، توانسته نقش یک آدم هفت‌خط و منفعت‌طلب را ایفا کند، اما در این میان سعید پورصمیمی مثل نگینی در روایت فیلم درخشید. او که پیرمرد غرغرو و معتاد است و از همان اول مخالف مهاجرت بوده، بالاخره راضی می‌شود، اما به محض بازگذاشتن در خاک غربت می‌میرد! علیمردانی قبلاً توانایی‌های خود را در هدایت بازیگران به اثبات رسانده و به همین منوال در فیلم «کلمبوس» از پورصمیمی بهره‌ای درواقع در برده، به شکلی که شوخی‌ها، فریادکشیدن‌ها و بازیگوشی‌های او به دل می‌نشیند. اما مهم‌ترین نقطه قوت فیلم پرداخت دغدغه‌مند محتوای آن است.

البته فیلم طبعاً ضعف‌هایی هم دارد، از جمله شخصیت‌پردازی برخی کاراکترها که بیشتر به تیپ نزدیک شده‌اند تا اینکه فردیتی قوام‌یافته داشته باشند و برخی مثل جوان‌های فیلم فقط حضوری فیزیکی دارند، دقیقاً برعکس نمونه‌هایی مثل شخصیت‌های باران کوثری در «کوجه بی‌نام» و معتدآریا در «آباجان» با لحن شعاری و مستقیمی که نسبت به معضلات اجتماعی و درواقع در راستای پیامی ضدمهاجرت و صادرکردن یک بیانه سوسیالیستی نسبت به مام وطن! ساخته شده و از اینها مهم‌تر برخی علت- معلول‌هایی که با منطق ماجرا نمی‌خواند و این ضعف‌ها شاید حاصل عجله و شتاب برای نوشتن و ساختن و اکران سریع فیلم بوده است و البته باید تأکید کرد که ساخته فیلم در بخش خصوصی و به طور مستقل، چنین شتاب‌هایی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، اما از نظر اجرا و کارگردانی- از فرم بصری کارشده تا تدوین خوش‌رتم و بازیگوشانه- کاری است که تماشای آن قابل توصیه است، چون هم به قواعد رونق صنعت سینما پایبند بوده؛ یعنی رعایت اصول هنر سرگرمی‌سازی بدون به‌دام‌افتادن در ورطه لودگی و دست‌کم‌گرفتن شعور مخاطب، آن هم مخاطب هوشمند امروز و هم تلنگری مهیب به آنها می‌زند که هر یک در درون خود هیولاهایی مثل پسر کلاش خانواده «کلمبوس» دارند و چرا باید زمینه برای طغیان این هیولاها فراهم شود؟! چرا باید قرار بر آن در تریج دمیم؟! و همین برای مخاطب جذاب است؛ اما مثلاً شازده فرق

گروه هنر: روز گذشته، ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر جشنواره فیلم فجر، در گفت‌وگو با ایسنا درباره حضور اصغر

فرهادی، کارگردان معروف سینما، در ترکیب هیئت داوران سی‌وهفتمین جشنواره ملی فجر گفت: «پیش از این، خودم صحبتی با آقای فرهادی داشتم که ببینم آیا برای دآوری می‌توانیم از کمکشان استفاده کنیم، اما ایشان تمایلی نداشتند در این موقعیت قرار بگیرند». او افزود: «برای انتخاب داوران جشنواره هفته آینده جلسه برگزار خواهد شد». ابراهیم داروغه‌زاده درباره انتخاب داوران این دوره از جشنواره و



نهادسته‌ایم و روز شنبه هفته آینده جلسه شورای سیاست‌گذاری را برگزار می‌کنیم تا داوران نهایی شوند، اما با آقای مجیدی صحبتی نشده است و فقط پیش از این خودم صحبتی با آقای فرهادی داشتم که ببینم آیا برای دآوری می‌توانیم از کمکشان استفاده کنیم؟

ولی ایشان تمایلی نداشتند در این موقعیت قرار بگیرند». او افزود: «شورای سیاست‌گذاری هنوز داوران را مشخص نکرده است».

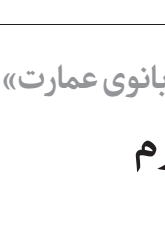
عدم تمایل فرهادی برای حضور در هیئت داوران جشنواره فیلم فجر

اینکه آیا ریاست مجید مجیدی در هیئت داوران صحت دارد، بیان کرد: «واقعیت این است که ما انتخاب قطعی نداشته‌ایم و روز شنبه هفته آینده جلسه شورای سیاست‌گذاری را برگزار می‌کنیم تا داوران نهایی شوند، اما با آقای مجیدی صحبتی نشده است و فقط پیش از این خودم صحبتی با آقای فرهادی داشتم که ببینم آیا برای دآوری می‌توانیم از کمکشان استفاده کنیم؟ ولی ایشان تمایلی نداشتند در این موقعیت قرار بگیرند». او افزود: «شورای سیاست‌گذاری هنوز داوران را مشخص نکرده است».

گروه هنر: بیژن سمندر، ترانه‌سرا و آهنگ‌ساز، درگذشت. بیژن سمندر، ترانه‌سرا و آهنگ‌ساز شیرازی که با ترانه «گل سنکم» در اذهان شناخته شده است، پس از سال‌ها تحمل درد و رنج ناشی از بیماری، در ۸۱ سالگی درگذشت. وی سال ۱۳۱۶ در شیراز متولد شد. این هنرمند شیرازی تحصیلات ابتدایی تا لیسانس را در شیراز گذراند و مدرک دکترای خود را در رشته ادبیات در خارج از کشور کسب کرد. او با توجه به علاقه بسیار به هنر، دکترای معماری خود را در شهر واشگتن دریافت کرد.



معروف «شیرازو میگو ناز» وِاسی آفشو چنگش» از سروده‌های بیژن سمندر در وصف شیراز است.



سرش گنج می‌رود و نقش زمین می‌شود؛ از این صحنه راضی هستید؟

زمان ازحال‌رفتن شازده برایم مهم بود و به نظر با همان اسلوموشن بواب می‌داد. این شیوه کمی بیشتر به اثرگذارترشدن صحنه کمک می‌کرد.

❧ در طول پخش سریال برخی رسانه‌ها درباره تشابه بانوی عمارت و سریال شهرزاد صحبت کردند، شاید به دلیل حضور برخی بازیگران در هر دو پروژه یا حضور محسن چاووشی به عنوان خواننده؛ اما من به‌شخصه شباهتی به مفهوم تقلید یا کپی‌کاری ندیدم.

برای من هم عجیب بود که برخی این دو کار را شبیه هم دیده بودند!

❧ برسیم به «حریم سلطان»! به هر حال، در سال‌های اخیر شبکه‌های ماهواره‌ای جایشان را میان خانواده‌های ایرانی باز کرده‌اند و بسیاری وقت‌شان را به دیدن سریال‌های آنها می‌گذرانند؛ ترکیه که در صنعت سریال‌سازی پیشرفت بسزایی کرده است و تکثیر این همه کانال فارسی‌زبان گویای رونق و استقبال از این سریال‌هاست؛ در میانه‌های پخش «بانوی عمارت» از شباهت آن و سریال «حریم سلطان» هم صحبت‌هایی به میان آمد. درباره آن نظری دارید؟

راستش من کلاً حدود ۱۰ دقیقه از سریال حریم سلطان را دیده‌ام. حالا من از شما بیرسم واقعا آیا ساختار سریال حریم سلطان از نظر سینمایی، قاب‌بندی، نورپردازی یا طراحی لباس، استاندارد بود؟

❧ حریم سلطان بیشتر از آنکه روی پرداخت یا اجرای سینمایی تمرکز کند، روی قصه وروابط ممنوعه تمرکز داشت و به‌اصطلاح رگ خواب بیننده‌اش را پیدا کرده بود. نکته اینجاست که آنها توانسته‌اند صنعت سریال‌سازی ایجاد کنند، کانال صادرات را در این حوزه فعال کرده و معاذکل در کشور ما هم مخاطبان خودشان را پیدا کرده‌اند. ترکیه اتفاقاً در سینمای هنری هم به رشدی قابل‌قبول رسیده‌اند. بگذریم! چیزی که در آن مقایسه‌ها، مدنظر کویندگان بود، موتور محرک‌شدن حریم سلطان برای ساخت سریال بانوی عمارت بود؛ یعنی اینکه صداسیمما کشتی در این‌باره نداشته، بلکه رفتاری واکنشی برای مقابله تصویری با حریم سلطان موجب ساخت بانوی عمارت شده است!

من که سازنده اثر هستم، می‌گویم این‌طور نبوده است. دوست داشتم سریالی پر مخاطب بسازم همراه با زیبایی‌شناسی ویژه‌ای که می‌توانست در اذهان عمومی اثرگذار باشد؛ برای اینکه اساساً به تصاویری غنی و اثرگذارتر در تلویزیون برسیم. این‌طوری بود که مثلاً به نورپردازی در این سریال اهمیت دادم چراکه در سریال‌سازی این موضوع خیلی در اولویت نیست. نورپردازی ما به این شکل بود که زمان بیشتری را به گروه فیلم‌برداری و آقای رنجبران اختصاص می‌دادم تا نورپردازی به شکلی که مطلوب است، آماده شود و شما می‌دانید که چقدر به زمان فیلم‌برداری افزوده می‌شود.

❧ اما استقبال مخاطب را از این سریال، نتیجه دقت در همین جزئیات و به‌ویژه بازی‌گیری در کار می‌دانم و می‌بینم که بیننده احساس خوبی دارد و حس می‌کند اثری متفاوت‌تر را دیده و او با احترام لازم گذاشته شده است. ❧ در پایان برمی‌گردم به کاراکتر فخرالزمان که شخصیتی بسیار جالب است؛ زنی قدرتمند که به‌مرور خودش را پیدا می‌کند و در داستان‌هایی که رقم می‌زند، خود فاعل و نتیجه‌گراست. فخرالزمان پتانسیل و شمایل زن ایرانی را با تسلطی منطقی به نمایش می‌گذارد و این «خود فاعل‌بودن» برای یک زن در چنان شرایطی که در طول سریال می‌بینیم، اتفاق و نتیجه‌ای مهم است.

❧ حالا که اشاره کردید، بگویم فخری در فیلم‌نامه، شخصیتی آرام‌تر داشت؛ ولی من با تصویری آرام از این زن مخالف بودم، چراکه به نظر نمونه این زن‌ها را زیاد دیده‌ایم و سراغ داریم. شخصیت فخری باید مؤثرتر و پرنانز‌تری تصویر می‌شد و شد؛ شخصیتی از طبقه مرفه که در زمان خودش، برای رسیدن به آرمان‌هایش تاوان را روی سینه‌پای، نابراین را پاره‌ای رانجامه، او را دوست داشتم و تقویتش کردم. برعکس هم داشتم؛ آهو که از طبقه پایین‌تری بود و او هم به شیوه‌ای دیگر خودسازی می‌کرد.

❧ دست و روح و روان شما و گروه سازنده این سریال در وقتند. دوست داریم با هم شما را در سینما ببینیم و ممنونم که با ساخت بانوی عمارت چیزهایی به فرهنگ امروز تلویزیون ایران اضافه کردید.

سمندر بنیان‌گذار سرودن شعر به گویش شیرازی بود و آثار گرانمایی در این حوزه خلق کرد. از کتاب‌هایش با گویش شیرازی می‌توان از مجموعه شعر و تفسیر با عنوان‌های «شعر شیراز» و «شعر شهر» نام برد که هر دو اثری تحقیقی و کاوشگرانه در فرهنگ عامیانه مردم شیراز است. بیژن سمندر از سال ۱۳۸۷، به بیماری پارکینسون مبتلا شد و پس از تحمل ۱۰ سال بیماری درگذشت. شعر معروف «شیرازو میگو ناز» وِاسی آفشو چنگش» از سروده‌های بیژن سمندر در وصف شیراز است.



سرش گنج می‌رود و نقش زمین می‌شود؛ از این صحنه راضی هستید؟

زمان ازحال‌رفتن شازده برایم مهم بود و به نظر با همان اسلوموشن بواب می‌داد. این شیوه کمی بیشتر به اثرگذارترشدن صحنه کمک می‌کرد.

❧ در طول پخش سریال برخی رسانه‌ها درباره تشابه بانوی عمارت و سریال شهرزاد صحبت کردند، شاید به دلیل حضور برخی بازیگران در هر دو پروژه یا حضور محسن چاووشی به عنوان خواننده؛ اما من به‌شخصه شباهتی به مفهوم تقلید یا کپی‌کاری ندیدم.

برای من هم عجیب بود که برخی این دو کار را شبیه هم دیده بودند!

❧ برسیم به «حریم سلطان»! به هر حال، در سال‌های اخیر شبکه‌های ماهواره‌ای جایشان را میان خانواده‌های ایرانی باز کرده‌اند و بسیاری وقت‌شان را به دیدن سریال‌های آنها می‌گذرانند؛ ترکیه که در صنعت سریال‌سازی پیشرفت بسزایی کرده است و تکثیر این همه کانال فارسی‌زبان گویای رونق و استقبال از این سریال‌هاست؛ در میانه‌های پخش «بانوی عمارت» از شباهت آن و سریال «حریم سلطان» هم صحبت‌هایی به میان آمد. درباره آن نظری دارید؟

راستش من کلاً حدود ۱۰ دقیقه از سریال حریم سلطان را دیده‌ام. حالا من از شما بیرسم واقعا آیا ساختار سریال حریم سلطان از نظر سینمایی، قاب‌بندی، نورپردازی یا طراحی لباس، استاندارد بود؟

❧ حریم سلطان بیشتر از آنکه روی پرداخت یا اجرای سینمایی تمرکز کند، روی قصه وروابط ممنوعه تمرکز داشت و به‌اصطلاح رگ خواب بیننده‌اش را پیدا کرده بود. نکته اینجاست که آنها توانسته‌اند صنعت سریال‌سازی ایجاد کنند، کانال صادرات را در این حوزه فعال کرده و معاذکل در کشور ما هم مخاطبان خودشان را پیدا کرده‌اند. ترکیه اتفاقاً در سینمای هنری هم به رشدی قابل‌قبول رسیده‌اند. بگذریم! چیزی که در آن مقایسه‌ها، مدنظر کویندگان بود، موتور محرک‌شدن حریم سلطان برای ساخت سریال بانوی عمارت بود؛ یعنی اینکه صداسیمما کشتی در این‌باره نداشته، بلکه رفتاری واکنشی برای مقابله تصویری با حریم سلطان موجب ساخت بانوی عمارت شده است!

من که سازنده اثر هستم، می‌گویم این‌طور نبوده است. دوست داشتم سریالی پر مخاطب بسازم همراه با زیبایی‌شناسی ویژه‌ای که می‌توانست در اذهان عمومی اثرگذار باشد؛ برای اینکه اساساً به تصاویری غنی و اثرگذارتر در تلویزیون برسیم. این‌طوری بود که مثلاً به نورپردازی در این سریال اهمیت دادم چراکه در سریال‌سازی این موضوع خیلی در اولویت نیست. نورپردازی ما به این شکل بود که زمان بیشتری را به گروه فیلم‌برداری و آقای رنجبران اختصاص می‌دادم تا نورپردازی به شکلی که مطلوب است، آماده شود و شما می‌دانید که چقدر به زمان فیلم‌برداری افزوده می‌شود.

❧ اما استقبال مخاطب را از این سریال، نتیجه دقت در همین جزئیات و به‌ویژه بازی‌گیری در کار می‌دانم و می‌بینم که بیننده احساس خوبی دارد و حس می‌کند اثری متفاوت‌تر را دیده و او با احترام لازم گذاشته شده است. ❧ در پایان برمی‌گردم به کاراکتر فخرالزمان که شخصیتی بسیار جالب است؛ زنی قدرتمند که به‌مرور خودش را پیدا می‌کند و در داستان‌هایی که رقم می‌زند، خود فاعل و نتیجه‌گراست. فخرالزمان پتانسیل و شمایل زن ایرانی را با تسلطی منطقی به نمایش می‌گذارد و این «خود فاعل‌بودن» برای یک زن در چنان شرایطی که در طول سریال می‌بینیم، اتفاق و نتیجه‌ای مهم است.

❧ حالا که اشاره کردید، بگویم فخری در فیلم‌نامه، شخصیتی آرام‌تر داشت؛ ولی من با تصویری آرام از این زن مخالف بودم، چراکه به نظر نمونه این زن‌ها را زیاد دیده‌ایم و سراغ داریم. شخصیت فخری باید مؤثرتر و پرنانز‌تری تصویر می‌شد و شد؛ شخصیتی از طبقه مرفه که در زمان خودش، برای رسیدن به آرمان‌هایش تاوان را روی سینه‌پای، نابراین را پاره‌ای رانجامه، او را دوست داشتم و تقویتش کردم. برعکس هم داشتم؛ آهو که از طبقه پایین‌تری بود و او هم به شیوه‌ای دیگر خودسازی می‌کرد.

❧ دست و روح و روان شما و گروه سازنده این سریال در وقتند. دوست داریم با هم شما را در سینما ببینیم و ممنونم که با ساخت بانوی عمارت چیزهایی به فرهنگ امروز تلویزیون ایران اضافه کردید.



● **گروه هنر:** هادی مظفری، مدیرکل هنرهای تجسمی، در حکمی احسان آقالی را به‌عنوان رئیس موزه هنرهای معاصر تهران معرفی کرد. احسان آقالی، سابقه حضور در مدیریت موزه هنرهای معاصر تهران و مدیریت هنرستان هنرهای زیبای پسران را در کارنامه خود دارد. پیش از این، علی‌محمد زارع بر صندلی ریاست موزه تکیه زده بود.

«اصوات پایدار» در فرهنگ‌سرای نیاوران

● **گروه هنر:** چیدمان صوتی «اصوات پایدار»، پروژه‌ای از آنسامبل «خانه رؤیا»، جمعه، ۲۱ دی، در فرهنگ‌سرای نیاوران اجرا می‌شود. «اصوات پایدار» پروژه‌ای بر مبنای پخش اصوات است. در این شیوه هنری هنرمند به‌جای بهره‌گیری از المان‌های دیداری از المان‌های شنیداری استفاده می‌کند. این شیوه از دهه ۶۰ میلادی در اعتراض به سبک‌های موسیقایی حاکم در آن زمان از سوی برخی از هنرمندان پیشرو ابداع شد. در چیدمان صوتی هنرمندان می‌کوشند تا مخاطب خود را با بُعد دیگری از صوت به‌جز اصوات موسیقایی آشنا کنند. صداها در این سبک اساساً ملودیک نیستند. در چیدمان «اصوات پایدار» قطعاتی از جان کِیج، موسیقی‌دان پیشرو این سبک، با نام «اتفاقات رادیویی» برای حاضران در گالری به صورت زنده اجرا خواهد شد. از بخش‌های دیگر این چیدمان می‌توان به اجرای قطعه «خانه رؤیا» اثر لامونت یانگ، «همیشه فیتاغورث» اثر نادر مشایخی، «درنا» اثر علیرضا امیرحاجبی، «زخمه بر تار» اثر امین شریفی و «جابجایی غیرهدفمند» اثر مهدی طالبی و «مینیوتیز» اثر سهیل شیرینی اشاره کرد.چیدمان صوتی «اصوات پایدار» جمعه، ۲۱ دی، ساعت ۱۸ در گالری شماره یک فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار خواهد شد. حضور تمام علاقه‌مندان در این برنامه آزاد است.

«سوۀتفاهم» در تماشاخانه مهرگان

● **گروه هنر:** نمایش «سوۀتفاهم»، به کارگردانی شیوا شجاعی، از ۲۷ دی‌ماه در تماشاخانه مهرگان روی صحنه می‌رود. نمایش‌نامه «سوۀتفاهم»، نوشته آلبر کامو و به کارگردانی شیوا شجاعی، از ۲۷ دی‌ماه، ساعت ۱۷:۳۰ در تماشاخانه مهرگان به صحنه می‌رود. بازیگران این نمایش عبارتند از: محمدمدین (جاوید) احمدی، مصطفی شوبیکلو، شیوا شجاعی، مریم جزینی، محمذنوید جلالیان، آتنا رسول‌زاده، داریوش شهبازی، اسحاق میرعزیزی و امیرعلی غفاری.

شب میدان بهارستان

● **گروه هنر:** شب «میدان بهارستان» با سخنرانی ناصر تکمیل‌همایون، احمد محیط‌طباطبایی و علی دهباشی، شنبه ۲۲ دی، در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود. این مراسم رأس ساعت ۱۷ شروع می‌شود و با نمایش فیلم مستند «میدان بهارستان»، به کارگردانی بابک بهداد ادامه خواهد یافت. گفتنی است این برنامه به همت مجله بخارا برپا می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این مراسم به خیابان استاد نجات‌اللهی، نبش خیابان ورشو، خانه اندیشمندان علوم انسانی، تالار فردوسی مراجعه کنند.

تکمیل جدول اکران سینمای رسانه‌ها

● مراسم قرعه‌کشی جدول اکران سینمای رسانه‌ها در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر، چهارشنبه، ۱۹ دی، با حضور صاحبان آثار و اهالی رسانه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. اجرای این برنامه را محمد سلوکی برعهده داشت و طبق سنت سال گذشته، قرعه‌کشی نام فیلم‌ها توسط تماشاگران رسانه‌ها و مطبوعات سینمایی صورت گرفت. در ابتدای این مراسم، قرعه‌کشی فیلم‌های کوتاه، مستند و پویانمایی و سپس قرعه‌کشی فیلم‌های بخش سودای سیمرغ و فیلم‌های اول انجام شد. در حاشیه این مراسم مهدی شامحمدی، تهیه‌کننده مستند «خانۀای برای تو»، بعد از قرعه‌کشی فیلمش به نوع این قرعه‌کشی اعتراض و عنوان کرد: «گویا آثار مستند، کوتاه و انیمیشن فقط برای خالی نبودن عرضه در این جشنواره حضور دارند. نام این اتفاق قرعه‌کشی نیست». در بخش دیگری از این مراسم آذر معماریان که برای قرعه‌کشی روی صحنه آمده بود، گفت: «لطفاً به فکر یک کاخ برای جشنواره بعد از ۳۸ سال باشید». علیرضا شجاع‌نوری، تهیه‌کننده «بنفشه آفریقایی» هم در سخنانی کوتاه یادآور شد: «همه سانس‌ها خوب است به شرطی که با دل همراه شویم». جواد رضویان نیز بعد از مشخص‌شدن نام فیلمش بیان کرد: افتخاری برای من بود که در جمع فرهیخته سینمایی‌ها باشم. برای شادی روح فرح حیدری و ناصر انتظاری دعا کنید.

هنر